

سبک زندگی فاطمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حورای

حورای

انسیه

بر روی گستره خاک، خانه ای از جنس بهشت، میعادگاه مولودی گردید تا اعجاز خالق هستی بخش در پیکره زنی از جنس آسمان متجلی شود و شراره ای باشد بر تمام پندارهای باطل و عقاید موهومی که هویت زن را با خاک نادانی زنده به گور می نمودند و ایمان خویش را به پای تراشه دست هایشان قربانی می ساختند. دختری از نسل خورشید که خدای رحمان او را کوثرش می خواند، در دامان پرمهر پیامبر توحید بالندگی یافت تا سلسله ای از ایمان را در خانه ولایت ایجاد نماید و روح زن را به اوج تعالی برساند؛ آن جا که رضایت خداوند در رضای او، و غضبش در خشم اوست. حضرت زهرا علیهاالسلام، نمونه بندگی خاص خدا بود، به گونه ای که حیات خویش را در آینه پیروی از امر خداوند متعال می دید. نمازها و دعاهاى متعددی که از حضرت زهرا علیهاالسلام روایت گردیده، خود نمودی است بر زندگی حق مدارانه و سراسر بندگی آن بانوی یگانه. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: هر زمان که زهرا در محراب عبادت به پیشگاه خداوند جل جلاله می ایستد، نور زهرا برای فرشتگان آسمان می تابد، آن گونه که نور ستارگان برای زمینیان روشن است، و خداوند عز وجل به فرشتگان خطاب می کند ای فرشتگان من! بنگرید به سرور کنیزانم زهرا، که چگونه در پیشگاه من ایستاده و بند بند اعضایش از ترس می لرزد و با جان و دل به عبادت من روی آورده است. فاطمه زهرا علیهاالسلام می خواهد که بانوان امتش، چون فرشته، پاک و آزاده باشند؛ نه به سان بردگان در اسارت نفس و شیطان. او می خواهد که زنان جهان، قدر گوهر وجودی خود را بشناسند و آن را با تمام قوا پاس دارند. از آموزش های فرهنگی و سازنده ای که دُخت فرزانه پیامبر بدان بسیار بها می داد، رعایت شرف و حفظ هویت و کرامت زن از راه پوشش شایسته بود تا ایشان بتوانند در عین حفظ شئونات اسلامی، به شایستگی های خویش در جامعه دست یابند. نقل است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر انبوهی از مسلمانان این سوال را طرح کرد که به نظر شما بهترین چیز برای زن چیست؟ اصحاب از پاسخ این سؤال درماندند. در این میان امیرمؤمنان به خانه رفت و این سؤال را از حضرت زهرا علیهاالسلام نمود. ایشان فرمود: (بهترین چیز برای زن این است که مردان بیگانه او را نبینند و آنان نیز او را نبینند).

لذا درسهایی از زندگی آن بانو جهت درس آموزی به نام سبک زندگی فاطمی حضورتان تقدیم می گردد.



## فاطمه در قرآن



## کوثر

## نبی (ص)

چرا نام حضرت مریم(س) در قرآن آمده؛ ولی نام حضرت فاطمه(س) نیامده است؟ حضرت فاطمه(س) و حضرت مریم(س) از بهترین زنان جهان می باشند. در این باره به چند نکته توجه فرمایید؛

۱- صرف آمدن نام اشخاص در قرآن، نشانه فضیلت آنان نیست؛ زیرا در قرآن کریم، نام افراد ستم کار و مشرک مانند: فرعون، ابولهب و... نیز آمده است.

۲- گر چه نام حضرت فاطمه(س) در قرآن صریح نیامده، ولی فضیلت ایشان از حضرت مریم(س) بیش تر است. امام صادق(ع) می فرماید: «... اما حضرت مریم(س) بانوی زنان زمان خود بود؛ ولی حضرت فاطمه(س) بانوی همه بانوان جهان از اولین و آخرین است.» در قرآن یاد کردن افراد به وسیله آوردن اوصاف ارزش مندشان، مطلوب تر است، از این که به نام از آن شخص تعریف شود.

۳- نام اهل بیت پیامبر اکرم(ص) از جمله حضرت فاطمه(س) به جهت مصالحی، به صراحت در قرآن کریم نیامده است. از جمله این که به احتمال قریب به یقین، اگر نام اهل بیت و حضرت فاطمه(س) در قرآن کریم به صراحت می آمد، ناهلان، قرآن را تحریف کرده و به سبب دشمنی با آن حضرت و همسرش حضرت علی(ع) و حذف نام ایشان از قرآن، در قرآن دست می بردند؛ ولی اگر با ذکر اوصاف گفته شود، دیگر افراد ناهل دست به تحریف آیات قرآن نزده و حقیقت و شخصیت اهل بیت(ع) نیز برای حق جویان روشن می شود. در قرآن آیاتی درباره اهل بیت(ع) نازل شده که بسان تصریح به نام آنان و بهتر از تصریح است. کسی که به دنبال حقیقت باشد، از هر دو گفتار(صراحت، عدم صراحت) یک مطالب را می فهمد.

۴- برخی آیات و سوره های قرآن در شان حضرت زهرا(س) نازل شده است؛ از جمله سوره هایی که در شان ایشان نازل شده، سوره دهر و کوثر است. نزدیک به ۳۰ آیه در شان ایشان تویل شده که برخی از آن ها عبارتند از:

۱۰ انا انزلنه فی ليله \* القدر - قدر / ۱

۱۰ انا انزلنه فی ليله مبرکه که انا کنا منذرین - دخان / ۳

۱۰ آیه مودت: قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربى - شوری / ۲۳

۱۰ آیه تطهیر: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا - احزاب / ۳۳

۱۰ آیه مباحله: تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکذیبین - آل عمران / ۶۱

\* مراد از «لیل» حضرت فاطمه(س) می باشد. -محدث بحرانی، تفسیر البرهان، بنیاد بعثت، تهران، ج ۱، ص ۶۱۸.



فاطمه در کلام معصومین (علیهم السلام)

فاطمه

مادر

ائمه (ع)

### فاطمه (س) از نگاه امام علی (ع)

در نگاه امام علی (ع) فاطمه در چنان مرتبه والایی از زهد و خداترسی و عمل به احکام الهی قرار دارد که در کلامی می فرماید: « من به رسول خدا (ص) و فاطمه و فرزندان مباحات و افتخار می کنم »

### فاطمه (س) از نگاه امام حسن مجتبی (ع)

امام حسن (ع) در موارد بسیاری از شایستگی مادرشان سخن گفته اند؛ از آن جمله می فرماید: « شبی دیدم مادرم در محراب به نماز ایستاده است و تا طلوع خورشید مشغول رکوع و سجود بود و شنیدم برای یکایک مردان و زنان دعا می کرد و آنان را نام می برد ولی برای خود چیزی نخواست. عرض کردم: مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنی، برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: فرزندم! اول همسایه بعد از آن خانه.»

### فاطمه (س) از نگاه امام حسین (ع)

امام حسین (ع) می فرماید: « رسول خدا (ص) در خانه ام سلمه بود که صرصائیل - یکی از فرشتگان الهی - نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: نور را به عقد نور درآور. پیامبر (ص) فرمود: چه کسی را و برای چه کسی؟ گفت: دخترت فاطمه (س) را برای علی ابن ابی طالب (ع). سپس در حضور جبرئیل و میکائیل و صرصائیل، فاطمه (س) را به عقد علی (ع) درآورد.»

### فاطمه (س) از نگاه امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) می فرماید: « وقتی که قیامت فرا رسد، فاطمه (س) وارد محشر می شود و گفته می شود کسانی که به آیات الهی ایمان آوردند و مسلمان شدند به جز مسلمانانی که دوستدار اهل بیت هستند؛ همگی سرها را بزیر اندازید. آنگاه اعلام می شود: این است فاطمه دخت محمد (ص). او و همراهانش به سوی بهشت می روند. خداوند فرشته ای را خدمت وی می فرستد و می گوید: حاجت را از من بخواه! فاطمه عرض می دارد: پروردگارا! حاجت من آن است که مرا و کسانی را که فرزندان مرا یاری کردند مورد عفو قرار دهی»<sup>۴</sup>

### فاطمه (س) از نگاه امام محمد باقر (ع)

امام باقر (ع) می فرماید: « به خدا سوگند! در آن روز (قیامت) فاطمه شیعیان و دوستانش را همانند پرندۀ ای که دانه خوب را از دانه بد جدا می کند، از بین جمعیت جدا می کند»





فاطمه در کلام معصومین (علیهم السلام)

فاطمه الزهراء

مادر

ائمه (ع)

### فاطمه (س) از نگاه امام جعفر صادق (ع)

« نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر این که به فضیلت فاطمه زهرا (س) اقرار نموده، محبت او را دارا بود.»

### فاطمه (س) از نگاه امام موسی کاظم (ع)

امام کاظم (ع) می فرماید: « همانا فاطمه، صدیقه و شهیده است.»

### فاطمه (س) از نگاه امام رضا (ع)

خداوند عزوجل فرمودند: «اگر علی (ع) را نمی آفریدم برای دخترت فاطمه (س) همتا و همسری در روی زمین یافت نمی شد.»

### فاطمه (س) از نگاه امام جواد (ع)

امام جواد (ع) خطاب به موسی بن قاسم که گفت: در حج از طرف فاطمه زهرا (س) زیارت کردم امام فرمودند: « آن را زیاد کن؛ زیرا که آن برترین چیزی است که بدان عمل می کنی»

### فاطمه (س) از نگاه امام هادی (ع)

آن حضرت در مورد علت نامگذاری حضرت صدیقه طاهره (س) به «فاطمه»، از رسول خدا (ص) نقل می کند که رسول خدا فرمود: «دخترم فاطمه (س) را بدان جهت فاطمه نامیدند که خداوند عزوجل او و دوستانش را از آتش جهنم به دورنگه می دارد.»

### فاطمه (س) از نگاه امام حسن عسکری (ع)

حضرت آدم به جبرئیل گفت: حبیبم جبرئیل! این بانو که از زیبایی چهره اش بهشت نورانی گشته؛ کیست؟ گفت: او فاطمه دختر محمد (ص)، پیامبری از نسل تو است که در آخرالزمان خواهد آمد.

### فاطمه (س) از نگاه امام مهدی (عج)

حضرت بقیه الله (عج) فرمودند: « دختر رسول خدا فاطمه (س) برای من سرمشق و الگوی نیکویی است.»

منابع:

بحار الانوار جلد ۴۳-۵۰-۵۳

اصول کافی جلد ۴



فاطمه (سلام الله عليها) و پدرش

فاطمه (سلام الله عليها)

## دفت

## نبوت (ص)

هنگامی که کودکان مکه در ناز و نوازش و رفاه بودند، فاطمه در سختی و رنج بزرگ شد و فرش گام هایش ریگ های داغ بیابان مکه بود. او هنوز کودکی بیش نبود که غم بی مادری بر زندگی اش سایه افکند. ولی فاطمه پیش از آن که غم از دست دادن مادر را در خاطره بگنجاند، یارو غمخوار پدر شد برای روزهای سخت و محنت افزا؛ روزهایی که پدرش تنها بود و غم هایش بسیار. در این وقت فاطمه برای پدر یاوری شایسته به شمار می آمد و نقش مادری مهربان را ایفا می نمود. به راستی سزاوار لقب ام ابیهاست؛ زیرا هم چون پروانه ای بر گرد شمع وجود پیامبر می چرخید و غبار غم و همان گاه که دشمن حرمت حضرت رسول را در اندوه را از چهره آن حضرت می زدود حالی که در سجده بود شکست و به زشت کرداری خویش، شکمبه شتر تازه ذبح شده ای را بر پشت ایشان فرو ریخت، زهرا با دستان کوچک و زلال مهربانی اش، بدن پدر را پاک نمود و او را به خانه برد. گاه دشمنان سنگدل، خاک، یا خاکستر بر سر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می پاشیدند، هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در خانه می آمد، فاطمه علیها السلام خاک و خاکستر را از سر و صورت پدر پاک می کرد: حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود دخترم غمگین مباش و اشک مریز که خداوند حافظ و نگهبان پدر توست. رمضان سال سوم هجرت می رسد، ولادت فرزندش حسن (علیه السلام) خاطره ای شیرین پیروزیهای چندی نگذشت که جنگ بدر را که در رمضان سال پیش رخ داد شیرین تر می سازد حمزه عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سردار دلیر جنگ احد آغاز شد ضایعه چندان مسلمانان و هفتاد و چهار تن نومسلمان دیگر به شهادت می رسند (ان یمسسکم قرح دلخراش است که خدای بزرگ ضمن آیاتی آنان را تسلیت می دهد فقد مس القوم قرح مثله و تلک الایام نداولها بین الناس...). (اگر جراحتی به شما رسید به آنان هم مانند آن رسید. روزگار چنین است آن را از دست این بدست آن می دهیم) به زهراء خبر می دهند پدرش در جنگ آسیب دیده است. سنگی به چهره ای او رسیده و با دسته ای از زنان برمی خیزد. آب و خوردنی بر پشت چهره اش را خونین ساخته است زنان، مجروحان را آب می دهند و زخم های آنها را خود برمی دارند و به رزمگاه می روند می بندند و فاطمه جراحت پدر را شست و شو می دهد. چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگامی که خودت را به روی رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) و وفات یافت به او گفتم و آله و سلم) افکندی، سپس سرت را بلند کردی و خندیدی چه شد؟ چرا من در آن هنگام مانند کسی بودم که فاطمه (سلام الله عليها) فرمود! خندیدی؟ هستی اش را از دست داده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من خبر داد نزدیکترین کس که به او ملحق شود من هستم، در این هنگام خندیدم.



## فاطمه (سلام الله علیها) و همسرش

حضرت زهرا علیها السلام نماد خوب همسر داری است؛ زیرا همواره در استحکام پیوند مشترک خویش با حضرت علی علیه السلام اهتمام می ورزید و در تمامی مراحل زندگی، به عنوان یار و مددکار همسر خود به شمار می رفت. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت علی علیه السلام پرسید: زهرا را چگونه یافتی؟ امام پاسخ داد: فاطمه علیها السلام با جایگاه حساس و فاطمه، خوب یآوری برای اطاعت الهی است. خطیر شوهرش آشنا بود و به خوبی می دانست که علی علیه السلام در محیط بیرون، با چه مشکلاتی روبه روست. از این رو کوشش او، ایجاد محیطی آرام و با صفا در خانه بود. فاطمه علیها السلام نه تنها سخنی که موجب پریشانی همسر خود بشود بر زبان نمی آورد، بلکه هر آن چه می گفت و انجام می داد، در راه مصالح عالی همسر فداکار و دلاورش بود. بر این اساس است که حضرت علی علیه السلام، زندگی خویش را با فاطمه هیچ گاه از من نرنجید و او نیز (فاطمه علیها السلام این گونه توصیف می کند: هرگز من را نرنجانند. او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزردن ساخت. در هیچ امری قدمی برخلاف میل باطنی من برنداشت و هرگاه به رخسارش می یکی از) نگریدم، تمام غصه هایم برطرف می شد و دردهایم را فراموش می نمودم جلوه های زندگی مشترک حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، تقسیم مطلوب وظایف و مسئولیت های زندگی بود. آن ها در ابتدای زندگی زناشویی، از پیامبر تقاضا کردند کارها را میان آن دو قسمت کند. رسول خدا نیز کارهای خانه را به فاطمه سپرد و مسئولیت های خارج از منزل را به علی علیه السلام واگذار کرد. بعد از این بود که زهرا بارها اظهار خشنودی می کرد و رضایت خود را از آن ابراز می داشت. بی تردید این تقسیم بندی پیامبر، بر مبنای ساختار روحی و جسمی، و نیز مصلحت اجتماعی آن ها بود. ادب و احترام زن به همسر خود، اقتضا می کند که نه تنها از طرح و بزرگ جلوه دادن کمبود های خانه، خودداری کند بلکه در حد امکان کاستی ها را نادیده گرفته، آنها را کوچک شمرد. هنگامی که اظهار ناراحتی، نتیجه ای جز رنجش شوهر ندارد، زن نباید کلامی در این رابطه با او بگوید. ایثار و محبت، اقتضا می کند که او خود به ترتیبی که می داند آنها را جبران کرده و زحمت مضاعف را بر روزی فاطمه (س) به حضور پدرش رسید، در حالی که آثار شوهر خود، تحمیل نکند ضعف و گرسنگی از چهره زهرا (س) نمایان بود. رسول خدا (ص) وقتی این حالت: خدایا گرسنگی را مشاهده کرد، دست هایش را به سوی آسمان، بلند نموده و گفت: پیامبر اکرم (ص) بدون اینکه فرزندم را به سیری تبدیل کن و وضع او را سامان بده. زهرا (س) سخنی به او بگوید، از ضعف و گرسنگی او باخبر می شود که این خود، یکی دیگر از نمونه های پای بندی به اساس و اسرار خانواده است.

فاطمه علیها السلام

همسر

ولایت



فاطمه (سلام الله عليها) و فرزندانش

فاطمه

مادر

امامت

محبت مادرانه، نیاز اساسی تربیت فرزندان است و فاطمه (علیها السلام) مهربان ترین مادران دنیا بود. سلمان در این باره می گوید: روزی فاطمه زهرا (علیها السلام) را دیدم که مشغول آسیاب بود. در این هنگام فرزندش حسین گریه می کرد و بی تاب می نمود. عرض کردم: برای کمک به شما آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم. ایشان فرمود: (من به آرام کردن فرزند اولی هستم، شما آسیاب را بچرخانید). حضرت زهرا (علیها السلام) با آگاهی هایی که از نیازهای کودکان داشت، به ابعاد گوناگون آن نیازها، پاسخ می داد. ایشان چنان مراقب سلامت فرزندان خود بود که گاه می شد شکم فرزندان خود را به قیمت گرسنگی خود سیر می کرد یا در مواقعی برای حفظ شادابی و پویایی آنان به بازی کردن با ایشان می پرداخت که در این مورد نقل است که: حضرت زهرا (علیها السلام) با امام حسن بازی می کرد و او را بالا می انداخت و برایش این اشعار را می خواند: پسر من! حسن، مانند پدرت باش، ریسمان را از گردن ظلم برکن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است، هیچ گاه با صاحبان ظلم دوستی نکن. با توجه بدین اشعار بدیهی است که حضرت زهرا (علیها السلام) از همان اوان کودکی در قالب بازی های کودکانه در اندیشه تکمیل و تثبیت شخصیت فرزندان خویش بودند. یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا (علیها السلام) بدان توجه و تأکید داشت، بُعد پرستش و گرایش کودکان به انجام تکلیف عبادی و الهی بود. دختر گرامی رسول اکرم، فرزندان را از کودکی به انجام عبادت فرا می خواند و آنان را به خدا پیوند می داد. حضرت زهرا (علیها السلام) کودکان خود را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به بیداری و شب زنده داری وادار می کرد و به حدی در این کار جدی و قاطع بود که نمی گذاشت کسی از اهل خانه بخوابد و می فرمود: (کسی که از برکات شب قدر دور بماند، محروم است). حضرت زهرا (علیها السلام) با سرلوحه قرار دادن این امر در رفتار با کودکان خود، از هرگونه تبعیض و رعایت نکردن انصاف پرهیز می نمود. در سیره رفتاری آن حضرت نقل است که: روزی امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در یک مسابقه خطاطی به رقابت پرداختند. امام حسن (علیه السلام) گفت: خط من بهتر است و امام حسین (علیه السلام) گفت: آن چه من نوشته ام زیباتر می باشد. سرانجام هر دو برای داوری خدمت مادرشان رسیدند. فاطمه زهرا (علیها السلام) نمی خواست بچه ها آزرده شوند؛ به همین دلیل گردن بند خود را پاره کرد و دانه های آن را که زوج نبود بر زمین ریخت و سپس فرمود: هر که بیشترین دانه ها را جمع کرد، برنده خواهد بود. در این هنگام جبرئیل یکی از این دانه ها را به دو نیم تقسیم کرد تا هر دو به طور مساوی دانه بردارند؛ بدین ترتیب مسابقه دو برنده داشت.





## فاطمه (سلام الله عليها) وامتش

فاطمه الزهراء

شفیعه

امت

رابطه اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مردم ، رابطه عاشق و معشوق است . دوست باید تمام کمالات را در محبوب خود بیابد و از دریای فیض و معرفت او سیراب شود و محبوب نیز باید آنچه در توان دارد ، برای هدایت و سعادت رهروان خود بکار بندد . یکی از نقش آفرینی های درخشان فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بالا بردن فرهنگ جامعه ، رشد فکر و اندیشه مردم و دفع مشکلات و شبهات آنان است . آن حضرت از مسائل ساده گرفته تا پیچیده ترین مشکلات را پاسخگو بود و این میسر نبود ، مگر با احاطه علمی ، قوت فکری و همت بلند ایشان . این بانوی بزرگ اسلام ، زجر تبلیغ و رنج تعلیم و تربیت را تحمل نموده ، چون مشعلی فروزان در راه هدایت جامعه ، نور افشانی کرد و با سوختن خود به دل و جان مردم گرمی بخشید و پاسداری از ارزشها و مفاخر اصیل ، مبارزه پیگیر با بدعتها ، جهل ، کجرویها و رکورد جامعه را خط مشی خود قرار داد. از این رو ، امت نیز باید هر چه بیشتر به مقام و حقوق رهبر خود آگاه گردد و خود را چون شاگردی فروتن در برابر او احساس کند و به دامان او چنگ زند تا از نقص به کمال و از ضعف به قدرت و از ظلمت به نور برسد . چنین امتی باید پرسش را عیب ندانسته و آنچه را نمی داند بپرسد تا درهای معرفت به رویش گشوده شود . حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نمونه کامل این مقصود است . ایشان از کودکی در متن اجتماع به سر برده و با مردم ، همدم و همدرد بوده است . این بانو رابطه ای صمیمانه و عالمانه با یاران خود داشت . زنی به خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) رسید و عرض کرد : مادر پیر و ناتوانی دارم که در نماز بسیار اشتباه می کند ، مرا فرستاده تا از شما بپرسم که چگونه نماز بخواند . آن حضرت فرمود: هر چه می خواهی بپرس . آن زن سؤالات خود را مطرح کرد تا به ده سؤال رسید و حضرت زهرا (سلام الله علیها) با روی گشاده جواب داد . زن از زیادی پرسش خود شرمنده شده ، گفت : شما را بیش از این زحمت نمی دهم. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود : باز هم بپرس . آن گاه برای تقویت روحیه وی چنین فرمود: اگر به کسی کاری واگذار کنند ، برای مثال از او بخواهد که بار سنگینی را به ارتفاع بلندی حمل کند و در برابر این کار صد هزار دینار به او جایزه بدهند آیا او با توجه به آن پاداش احساس خستگی می کند ؟ زن جواب داد : نه . آن حضرت فرمود : من در مقابل هر پرسشی که جواب می گویم از خدا پاداشی بمراتب بیشتر دریافت می کنم و هرگز ملول و خسته نمی شوم. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که روز قیامت دانشمندان اسلام در برابر خدا حاضر می شوند و به اندازه علم و تلاش و کوششی که در راه آموزش و هدایت مردم داشته اند از خدای خود پاداش می گیرند .



فاطمه (سلام الله عليها) و حجاب

فاطمه الزهراء

مظهر

عفت

آن بانوی بسیار بزرگ جهان، با این که حریم عفاف و حجاب را به طور کامل رعایت می‌کرد، در عین حال، در بحرانی‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی، حضور و ظهور داشت. روزی مرد نابینایی با کسب اجازه به محضر حضرت زهرا(س) آمد. حضرت از او فاصله گرفت و خود را پوشانید، پیامبر اکرم(ص) که در آن جا حضور داشت از حضرت زهرا(س) پرسید: «با این که این مرد نابیناست و تو را نمی‌بیند، چرا خود را پوشاندی؟ حضرت زهرا(س) در پاسخ فرمود: «اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم، وانگهی او بوراستشمام می‌کند». پیامبر(ص) به نشانه تأیید شیوه و گفتار حضرت زهرا(س) فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی». امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: روزی همراه گروهی در محضر رسول خدا(ص) نشسته بودیم. آن حضرت به ما رو کرد و فرمود: «بهترین کار برای زنان چیست؟» هیچ کدام از حاضران نتوانستند جواب صحیح بدهند. هنگامی که متفرق شدند، من به خانه بازگشتم، و همین موضوع را از حضرت زهرا(س) پرسیدم، و ماجرای سؤال پیامبر(ص) و پاسخ صحیح ندادن اصحاب را برای حضرت زهرا(س) تعریف کردم، و گفتم هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ صحیح بدهیم. حضرت زهرا(س) فرمود: ولی من پاسخ به این سؤال را می‌دانم، و آن این است که: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ؛ صلاح زنان در آن است که آنها مردان نامحرم را نبینند، و مردان نامحرم آنها را نبینند». حجاب در اسلام به معنای پرده نشینی نیست، بلکه به معنای پوششی معقول برای جلوگیری از فساد، و حفظ کرامت زن است. من به محضر رسول خدا(ص) بازگشتم و عرض کردم: «ای رسول خدا! از ما پرسیدی که چه کار برای زنان برتر است، پاسخش این است که برترین کار برای زنان این است که آنها مردان نامحرم را نبینند، و مردان نامحرم آنها را نبینند». پیامبر(ص) فرمود: «چه کسی به تو چنین خبر داد، تو که این جا بودی و پاسخی نگفتی؟» علی(ع) عرض کرد: «فاطمه(س) چنین فرمود». پیامبر(ص) از این پاسخ خشنود شد، و سخن فاطمه(س) را پسندید و به نشانه تأیید او فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ همانا فاطمه، پاره تن من است». نیز روایت شده: روزی جابر بن عبدالله انصاری همراه رسول خدا(ص) به سوی خانه فاطمه(س) رهسپار شدند. وقتی که به در خانه رسیدند، پیامبر(ص) اجازه ورود طلبید. فاطمه(س) اجازه داد، پیامبر(ص) فرمود: شخصی همراه من است، آیا اجازه هست با او وارد خانه شویم؟ فاطمه(س) عرض کرد: «ای رسول خدا «قِنَاع» (یعنی مقنعه و روسری) ندارم». پیامبر(ص) فرمود: «يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلَ مَلْحَفَتِكَ فَقِنِعِي بِهِ رَأْسَكَ؛ ای فاطمه! لباس بلندی روپوش خود را بگیر و سرت را با آن ببوشان». حضرت فاطمه(س) همین کار را کرد، آن گاه پیامبر(ص) و جابر، با کسب اجازه وارد خانه شدند.



## فاطمه (سلام الله عليها) و خانواده

فاطمه الزهراء

الگوی

خانواده

جلوه های رفتاری فاطمه (س) در محیط خانه و خانواده نیز جهادی دیگر بود که لوحی از اندیشه و حسن سلوک را در برابر همه قرون و اعصار گشود. وقتی چنین زنی پا به خانه بخت می گذارد و بر عرش همسری و مادری می نشیند، لحظه لحظه ی حیاتش، تاریخ و جغرافیای آرمانی ترین خانواده را رقم می زند و سرای او در سرسرای تاریخ، اسوه می شود. اخلاص، مهمترین سرّ جاودانگی حیات فاطمه (س) است. فاطمه (س) از حیات و ممات خویش، جز خداوند، اراده نفرمود. حضرت (س) موفق ترین بانوی هستی در کامروایی از زندگی، عشق همسر و فرزند بود و از آن جا که حیات خانوادگی خود را نیز برای خداوند می خواست، چنین دعا می فرمود: «... ائحینی ما عملت الحیاء خیراً لی و توفنی اذا کانت خیراً لی، اللهم انی اسألك کلمة الاخلاص...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۹۱، ص ۲۲۵)، «خداوندا، مادامی که می دانی در زندگی من خیری است، مرا زنده بدار و آن زمان که مرگ برای من بهتر است، مرا بمیران. خدای من، من از تو کلمه ی اخلاص را مسئلت دارم.» معمولاً زنانی که از کانون خانواده ارضا شده و کامروایند، چنان به زندگی دل می بندند و از آن خرسندند که آن را با چیز دیگری معامله نمی کنند؛ ولی فاطمه (س)، حیات خود را با خداوند معامله کرد. وی در همه ی اعمال و رفتارش جز محبت و رضایت دوست، چیزی در نظر نداشت و تحقق این معنا را از درگاه دوست تقاضا نموده و می فرمود: «اللهم انی اسئلك بماتحب و ترضی.» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷: ص ۲۲۷) فاطمه (س) عشق و محبت به همسر و فرزندان را نیز، در ظلّ محبت خداوند طلب می کرد؛ چنان که در مقام نیایش با خداوند که منتهای آرزویش بود، این سان مناجات می کرد: «اللهم اجعلنا ممن کانه یراک الی یوم القیامة الذی فیه یلقاک و لاتمتنا الا علی رضاک. اللهم واجعلنا ممن اخلص لک بعلمه و احبک فی جمیع خلقه...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۸۷، ص ۳۳۸)، «خدایا! مرا قرار بده از کسانی که تو را تا روز قیامت (که در آن روز همه مشاهده ات می کنند) در نظر دارند و ما را به جز بر حال رضایت خودت نمیران. خدای من، ما را از کسانی قرار بده که عمل خودشان را برای تو خالص می نمایند و تو را در همه ی خلایق دوست دارند.» فراز شریف «واحبک فی جمیع خلقه»، با تحلیل عرفانی، حائز نکات بسیار بلند توحیدی است و نشان دهنده ی این معناست که این بانوی موحد و مخلص، خداوند را در مظاهر خلقی می دیده و محبت او به مظاهر خلق نیز به واسطه ی حب ذاتی به ذات ظاهر بوده است، نه به مظهر؛ یعنی حد واسط محبت فاطمه (س) به همسر و فرزندان نیز، چیزی جز محبت خداوند نبوده است.



## شهیده

## ولایت

زهرای اطهر(س) در برابر جریاناتی که بعد از رحلت رسول مکرّم اسلام به وجود آمد، ساکت ننشست و دست به مبارزه سیاسی زد و با سخنرانی‌های افشاگرانه به بیان ماهیت غاصبان خلافت و مصیبت‌های وارده توسط آن‌ها پرداخت. بررسی سیره معصومین (ع) در راستای حفظ ارزش‌های اصیل اسلامی از مواردی است که علاوه بر هدایت و نجات انسان‌ها، نقش قابل تأملی را در حفظ آرمان‌های جامعه مسلمین ایفا می‌کند. از این رو آن بزرگواران در طول حیات خویش حضور در صحنه را مسؤولیتی مهم از جانب خدای سبحان می‌دانستند. با غروب غمبار خورشید فروزان رسالت در ۲۸ صفر سال دهم هجری، سیاهی غصب حق و غبار غربت اندیشه‌های خردورزان را آزار می‌داد به گونه‌ای که کم‌تر کسی یارای حضور در صحنه اعتقادی و دفاع در عرصه سیاسی را در خود می‌دید، اما در این میان بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا(س) برتر از هزاران مرد قدرتمند، بیرق باورهای تابناک آسمانی و علم پیکار با سران ظلم و غصب و غارت را بر دوش گذاشت تا هدایت نبوی و سعادت علوی را پاس بدارد و به گوش آیندگان برساند. زهرای اطهر(س) در برابر جریاناتی که بعد از رحلت رسول مکرّم اسلام به وجود آمد، ساکت ننشست و دست به مبارزه سیاسی زد و با سخنرانی‌های افشاگرانه به بیان ماهیت غاصبان خلافت و مصیبت‌های وارده توسط آن‌ها پرداخت. گرچه دوران حیات ریحانه محمدی پس از ارتحال پیامبر اکرم(ص) بسیار کوتاه بود، اما خط مشی سیاسی آن حضرت در طول حیات نشان می‌دهد که موضع‌گیری اش معقول‌ترین و پسندیده‌ترین روش ممکن بود و هرگونه حرکت و موضع‌گیری دیگری غیر از آن ممکن بود ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر اسلام وارد سازد. زهرای مرضیه (س) در اثبات حق و مقابله با انحراف در رهبری امت اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکرد و این امر را تکلیف خود می‌دانست. گاهی شب‌ها همراه علی(ع) به در خانه مهاجرین و انصار می‌رفت و حمایت از ولایت و وصیت رسول خدا(ص) را در یادها زنده می‌کرد و آنان را به دفاع از حق همسرش در مسأله خلافت و حق خودش فرا می‌خواند؛ اگر چه چیزی جز کلام سرد و بی‌مهری نمی‌شنید! فاطمه(س) عنایت ویژه‌ای به مسأله دفاع از امامت و ولایت امام علی(ع) داشت و به عنوان یک وظیفه اجتماعی در قالب‌های مختلف روی آن اهتمام و جدیت می‌ورزید. در قضیه «فدک» آن چیزی که جوهر اصلی کارها و پی‌گیری‌های دخت گرامی پیامبر بود، همان دفاع از حق ولایت حضرت امیر مؤمنان علی(ع) بود. صدیقه طاهره(س) حرکت و هدایت انسان‌ها را بدون امام، سکون و ساکت می‌دانست و زمامداری زیان‌آلود و باطل ناهلان را باعث دور ماندن مردم از مسیر «صراط مستقیم» می‌دانست.





## فاطمه (سلام الله عليها) و همسایگان



## الگوی

## حقوق

## شهروندی

زیباترین شیوه رفتار با همسایه، در عمل فاطمه زهرا (علیهاالسلام) بروز پیدا کرده ایشان همیشه همسایگان را بر خود مقدم می دانست و در مناجات های شبانه، است برای آنان دعا می کرد و خیرشان را از خدا می خواست. امام حسن مجتبی (علیه السلام) در این زمینه چنین فرمود: مادرم شب جمعه یکسره در حال عبادت بود و مدام برای مردم دعا می کرد و نام آنان را به زبان می آورد. صبح به ایشان گفتیم: در اول برای ( ) دعای دیشب برای خودتان چیزی طلب نکردید. آن حضرت جواب داد هم چنین در تاریخ آمده که مردی خدمت ایشان (همسایگان و پس از آن برای خود رسید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا! لطفا سخنی از پیامبر به من هدیه کنید. آن از مؤمنان نیست کسی که همسایه اش از او (حضرت فرمود: پیامبر به ما سفارش کرد: حضرت زهرا (ایمن نباشد. هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد، همسایه را نمی آزارد علیهاالسلام که تربیت یافته مکتب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بود، نسبت خاصی داشت. برخی از موارد توجهات حضرت زهرا به همسایگان توجه (علیهاالسلام) درباره همسایگان را می توان در امور زیر جستجو کرد.

الف. دعا در حق همسایگان: امام حسن (علیه السلام) چنین نقل می کنند: «رَأَيْتُ أُمَّي فاطمةً علیهاالسلام قامت فی مخرابها لیلة جمعتها فلم تزل راکعاً ساجدةً حتی اتضح عمود الصبح و سمعتها تدعو للمؤمنین و المؤمنات و تسمیهم و تكثر الدعاء لهم و لاتدعو لنفسها بشئ ء فقلت لها یا أمه لِم لا تدعین لنفسک كما تدعین لغيرک. فقالت یا بئی الجار ثم الدار. نمودی؟ فرمود: پسر من! اول همسایه، سپس خانه. امام صادق (علیه السلام) نیز این سیره و روش حضرت را چنین بیان فرموده است: کانت فاطمة علیهاالسلام اذا دعت تدعو للمؤمنین و المؤمنات و لاتدعو لنفسها فقیل لها فقالت الجار ثم الدار فاطمه (علیهاالسلام) چنین بود که هر گاه دعا می کرد، برای مردان و زنان مؤمن دعا می کرد ولی برای خودش دعا نمی کرد. به او گفته شد [و از او علت این ماجرا سؤال شد]، پس فرمود: همسایه و سپس خانه. چنانکه از حدیث امام حسن مجتبی (علیه السلام) بر می آید، حضرت زهرا (علیهاالسلام) هنگام دعا برای همسایگان، آنها را با نام دعا می کرده است و این بیانگر ارتباط آن بانوی بزرگوار با مردم و همسایگان می باشد. حضرت زهرا (علیهاالسلام) هم به عیادت مریضهای همسایه می رفت و هم به جهت تعزیت و تسلیت در مورد اموات آنها در بعضی از مجالس شرکت می کرد، چنانکه نوشته اند: کانت تعود مرضاهم؛ از مریضهایشان عیادت می کرد. همسایگانش از خانه خارج شد. حضرت زهرا (علیهاالسلام) فقیران و بینوایان را اطعام می داد و به همسایگان مستضعف خود رسیدگی می کرد و به زنان و اطفال مخصوصاً یتیمان توجه می کرد و به آنها رسیدگی می نمود.



## فاطمه (سلام الله عليها) ومهمان

زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) ، جلوه ای از ایثار و گذشت بود، به نحوی که ایشان همواره دیگران را بر خود مقدم می داشت و در زمینه پذیرایی و گرامی داشت مهمان، از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد. نقل است که: مردی خدمت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید و اظهار گرسنگی نمود. پیامبر او را به خانه همسران خود راهنمایی کرد تا از او پذیرایی کنند. آن ها گفتند: در خانه چیزی جز آب نداریم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) رو به اصحاب خود کرد و فرمود: من او را :چه کسی این مهمان را به خانه خود می پذیرد. علی (علیه السلام) فرمود امیرمؤمنان آمدن هر دو به اتفاق روانه منزل آن حضرت شدند. به خانه می برم مهمان را به همسرش فاطمه اطلاع داد و از وضع غذای خانه خود جویا شد، حضرت قدری خوراک به اندازه بچه ها موجود است، ولی (فاطمه علیها السلام جواب داد: مهمان را بر خود مقدم می داریم. روزی بین یک زن مؤمن و یک زن کافر مشاجره ای بر سر دین پیش آمد. این موضوع خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) مطرح شد. آن حضرت استدلال زن مؤمن را تأیید و تشریح نمود. در نتیجه او بر رقیب خود پیروز شد و از این پیروزی شادمان گشت. حضرت زهرا (سلام الله علیها) به آن زن مؤمن فرمود: بدان که شادی فرشتگان به واسطه پیروزی تو بر او بیش از خوشحالی توست. به جهت پشتیبانی فاطمه از آن زن، هزار هزار درجه در بهشت برین بیش از آنچه برای این زن تعیین شده، برایش منظور دارید و این را ملاکی قرار دهید که هر کس به کمک یاران حق بشتابد و راه پیروزی آنان را هموارسازد، هزار هزار مرتبه بیش از پاداش مقرر به او عطا شود. سلمان که خود از بهترین خدمت حضرت زهرا ( : اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بود می گوید سلام الله علیها) رسیدم. از آن حضرت خواهش کردم که چیزی به من یاد دهد. بسم الله الرحمن الرحیم ( : ایشان دعای نور را به من تعلیم داد. آن دعا چنین بود بسم الله النور بسم الله نور علی نور، بسم الله الذی هو مدبّر الأمور، بسم الله الذی خلق النور من النور، الحمد لله الذی خلق النور علی طور فی کتاب مسطور فی رقی منشور بقدر مقدور علی نبی محبوب، الحمد لله الذی هو بعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین ) من نیز آن دعا را به بیش از هزار نفر از اهالی مکه و مدینه آموزش دادم و برای آنها منشأ آثار و برکات خوبی بود.

فاطمه الزهراء

مظهر

مهمان

نوازی



## فاطمه (سلام الله عليها) و خدمتکار

حضرت فاطمه (سلام الله عليها) با همه بزرگواری و مقام و منزلتی که در پیشگاه خدا داشت، کار خانه را خود انجام می داد و تا مدت‌ها خدمتکار نداشت. روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) زنی را در یکی از جنگها اسیر گرفته بود، نزد فاطمه (سلام الله عليها) آورد و دست او را در دست آن حضرت گذاشته، فرمود: ای فاطمه! این زن در خدمت توست، او اهل نماز است. سپس درباره او سفارش کرد: فاطمه نگاهی به صورت پیامبر کرد و چنین گفت: کار خانه را تقسیم می کنیم یک روز من کار می کنم، یک روز او اشک در چشمان پیامبر حلقه زد سپس فرمود: «الله اعلم حیث یجعل رسالته» «ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم» وعده ای که حضرت فاطمه (سلام الله عليها) به پدر بزرگوارش داد، در تمام مراحل زندگی پیاده شد. آن حضرت نه تنها خدمتکار خود را به زحمت نمی انداخت، بلکه گاهی در انتخاب نوع کار از او سؤال می کرد تا هر کاری که بیشتر دوست دارد بپذیرد. روزی به او فرمود: شما خمیر می کنی یا نان می پزی؟ او در جواب عرض کرد: خمیر کردن و آوردن هیضم به عهده من باشد. سپس آماده انجام آن شد این خدمتکار نامش فضه بود، دختر پادشاه هند، زنی زیبا، شریین سخن، دانشمند و با معرفت بود و در علم شیمی و تبدیل فلزات، تخصصی چشمگیر داشت. همیشه در حال خواندن قرآن بود و حتی سؤال مردم را با آیه قرآن جواب می داد. در خانه حضرت فاطمه (سلام الله عليها) وظایف خود را با خلوص و صداقت کامل انجام داده، با اهل خانه همراهِ و یکدل بود؛ چنانچه آنها گرسنه بودند، او نیز گرسنه بود و چنانچه تشنه بودند او نیز تشنه؛ اگر آنها نمی خوابیدند او نیز خواب را از چشمان خود می گرفت؛ با خاندان حضرت علی (علیه السلام) سه روز روزه گرفت و مشمول آیه «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً» شد؛ از خوراک بهشت بهره مند گردید و امیر المؤمنین (علیه السلام) درباره اش فرمود: «اللهم بارک لنا فی فضتنا». در جریان بیعت گرفتن اجباری از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نخستین کسی بود که برای دفاع از ولایت از خانه حضرت زهرا (سلام الله عليها) بیرون آمد و از هیچ کوششی در راه حمایت و احقاق حق خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دریغ نکرد. وی در کربلا نیز با زینب کبری (سلام الله عليها) همراه بود.

فاطمه

بانوی

متواضع



## فاطمه (سلام الله عليها) و مستمندان

فاطمه الزهراء

مظهر

ایثار

فاطمه (علیها السلام)، انسانی کامل و خود ساخته بود. او با این که فقیر نبود و درآمد قابل توجهی از فدک داشت، ولی آن را صرف کارهای شخصی خود و خانواده نمی کرد، بلکه از آن در راه یاری دادن و کمک به مستمندان استفاده می نمود. از این رو گاهی می شد که با وجود درآمد فدک، چند روز در خانه حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) غذایی پیدا نمی شد. در شب عروسی حضرت زهرا (علیها السلام) بینوایی به منزل پیامبر آمد و از اهل آن خانه لباسی طلبید. در این هنگام فاطمه (علیها السلام) پیراهن عروسی خویش را از تن درآورد و به آن زن بینوا انفاق کرد و خود همان جامه عادی همیشگی اش را پوشید. فاطمه (علیها السلام) با این عمل، انفاق خویش را به تأیید کلام خداوند متعال رسانید که: (هرگز به نیکوکاری نمی رسید مگر از آن چه خود دوست دارید انفاق کنید). مردی خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) رسید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا! آیا چیزی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزد شما به یادگار مانده است تا به من هدیه کنید؟ آن حضرت به کنیز خود فرمود: آن پارچه را بیاور. کنیز جستجو کرد، لیکن آن را پیدا نکرد. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: وای بر تو! زود آن را پیدا کن که ارزش آن پارچه برای من به اندازه حسن و حسین است. کنیز پس از مدتی پارچه را یافت که در آن چنین نوشته شده بود: حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: از مؤمنان نیست کسی که همسایه اش از او امنیت نداشته باشد؛ هر کس به خدا و قیامت ایمان داشته باشد، همسایه را نمی آزارد. باید سخن نیک بگویند و گرنه ساکت باشید. خداوند افراد نیکوکار، صبور و با عفت را دوست می دارد و افراد بد سخن، لجوج، ستیزه گر و بخیل را دشمن می دارد. حیا از ایمان است و اهل ایمان در بهشتند و ناسزاگو در جهنم است. ایثار، والاترین کرامت انسان، بالاترین مرتبه ایمان، بهترین عبادت و زینت زهد است. ایثار، عبور از گردنه پر فراز و نشیب نفس و پا گذاشتن روی خود خواهی و پرداختن به دیگران است. ایثار، گذشتن از منافع خود و شاد کردن دیگران است. خدای سبحان می فرماید: آنها دیگران را بر خود مقدم می دارند، هر چند خود بدان محتاج باشند. چیزی که انسان ایثارگر آن را ایثار می کند، هر قدر که بیشتر مورد نیازش باشد، آن ایثار با ارزشتر و شکوه و عظمت آن بیشتر است. در این زمینه، حضرت زهرا (سلام الله علیها) گوی سبقت را از همه ربوده و زیباترین جلوه ایثار را نشان داده است.





فاطمه (سلام الله عليها) وبانوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگوی

بانوان

الگو یکی از طرق سازندگی در مراحل مختلف زندگی است. بسیاری از بی هدفی ها زاییده بی الگویی هاست. زبان الگو، زبان عمل است در نتیجه تأثیری که الگو بر افراد می گذارد، بسیار عمیق تر و ماندنی تر از گفتار است. به دلیل اهمیت الگو ادیان الهی و مکاتب بشری سعی در ارائه الگو از نوع خود انسان داشته اند و از نقش الگو در آبادانی و ویرانی جوامع غافل نبوده اند. دین مبین اسلام الگوها و شاخص های متعالی ارائه داده و انسانها را به پیروی از سیره عملی و نظری آنان دعوت نموده است. اگر در مکاتب ساخته بشر، الگوی عملی وجود ندارد و آنان ناگزیرند ایده آلیستی بیندیشند، خوشبختانه در مکتب اسلام راستین یعنی تشیع، الگوهای بسیاری وجود دارد. دامنه تأثیر گذاری اسوه ها از نظر قرآن اعم از حوزه فردی، اجتماعی و تاریخی است. در حوزه فردی نقش سرمشقها اصلاح مناسبات اجتماعی و سیاسی است و در عرصه تاریخی تأثیر اسوه ها به تغییر و تحول در جهت گیریهای تاریخی ارتباط می یابد. هم اکنون جا دارد به این سؤال پاسخ گفته شود که آیا حضرت زهرا (س) الگوی زنان است یا الگوی انسان؟ و آیا سیره ایشان قابلیت پیروی برای همه انسانها را دارد و یا مختص زنان می باشد؟ پرواضح است که حضرت زهرا (س) الگوی کاملی برای همه انسانهاست و همه بشریت می توانند با تأسی از سیره ایشان راه نجات و سعادت خود را طی نمایند.

کرامت ها و فضیلت ها مختص مردان نیست. چنانچه زنان جوهری داشته باشند، مسیر تعالی و بالندگی معنوی برای آنان هموار است. اگر علی (ع) الگو و نمونه انسان کامل و ایده آل است در وجود مرد بودن، زهرای مرضیه نیز الگوی ایده آل انسان کامل است در مظهر زن بودن. قرآن وقتی می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب، ۳۳/ ۳۱) مقصود از «لکم» همه انسان هاست، نه فقط مردان. این مطلب در مورد حضرت زهرا (س) نیز صادق است. آنچه فاطمه (س) را اسوه و نمونه ساخته، کمال انسانی اوست و بدین خاطر متعلق به عالم انسانیت است. ارزش های انسانی اختصاص به زن یا مرد ندارد و به تبع آن اسوه های انسانی نیز همین گونه اند. فاطمه (س) چنان که اسوه زنان است اسوه مردان نیز هست. همانند پیامبران و امامان بین زن نمونه بودن و نمونه زن بودن تفاوت است؛ زن نمونه یعنی زنی که سیره و روش او را همگان قادرند در زندگی اتخاذ و اعمال نمایند و بر اساس سیره و سلوک او مسیر زندگی خویش را بیمایند و نمونه زن یعنی زنی که میان زنان نمونه و الگوست.



# فاطمه الزهراء

## مظهر

## فضائل

۱- ره آورد خلوص در عبادت: قالت فاطمة الزهراء سلام الله عليها: من أصدد إلى الله خالص عبادته، أهبط الله عزوجل إليه أفضل مصلحته. فرمود: کسی که عبادت خالص خود را به خداوند متعال تقدیم می کند (و فقط برای رضای او عمل می کند) خداوند نیز بهترین مصلحت خود را بر او نازل می کند. تحف العقول ص ۹۶۰

۲- مرگ محبان شهادت است: عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مَذُوسَى بْنِ رَجَعْفَرٍ (ع)... عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، قَالَتْ (سلام الله عليها): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : «أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً. فاطمه معصومه(س)، از دختر امام صادق (ع) روایتی نقل می کند که سلسله سندش به حضرت فاطمه زهرا (س) می رسد که آن حضرت می فرماید: حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: (آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود شهید از دنیا رفته است). عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۵۳

۳- دوستدار علی (ع) سعادت مند است: قَالَتْ (سلام الله عليها): ان السعيد، كل السعيد، حق السعيد من أحب عليا في حياته و بعد موته. فرمود: همانا سعادت مند(به معنای) کامل و حقیقی کسی است که امام علی(ع) را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد. شرح نهج البلاغه ج ۲، ص ۴۴۹ مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۱۳۲

۴- معرفی خاندان پیامبر: قَالَتْ (سلام الله عليها): نحن وسيلته في خلقه و نحن خاصته و محل قدسه و نحن حجتة في غيبه و نحن ورثة أنبيائه. فرمود: ما اهل بیت رسول خدا(ص) وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم ما برگزیدگان خداییم و جایگاه نیکی ها، ما دلیل های روشن خداییم و وارث پیامبران الهی. (شرح نهج البلاغه ج ۱۶، ص ۲۱۱)

۵- ثواب قرائت سوره های قرآن حدیث: قَالَتْ (سلام الله عليها): قارئ الحديده، و اذا وقعت، و الرحمن، يدعى في السموات و الارض، ساكن الفردوس. فرمود: تلاوت کننده سوره حدید و واقعه و الرحمن در آسمانها و زمین اهل بهشت خوانده می شوند. (کنز العمال، ج ۱، ص ۵۸۲)

۶- بهترین و ارزشمندترین کسان: قَالَتْ (سلام الله عليها): خياركم اليكم مناكبه و اكرمهم لنسائهم فرمود: بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده اند. (دلال الامامه ص ۷۶ و کنز العمال، ج ۷، ص ۲۲۵)



فاطمه (سلام الله عليها) و گهرهای ماندگار

فاطمه الزهراء

## مظهر

## فضائل

۷- خداوند در دنیا برای مؤمنین سه چیز پسندید: قَالَتْ (سلام الله عليها): حُب الی من دنیاکم ثلاث: تلاوة کتاب الله و النظر فی وجه رسول و الانفاق فی سبیل الله. فرمود: از دنیای شما سه چیز محبوب من است: ۱- تلاوت قرآن ۲- نگاه به چهره رسول خدا ۳- انفاق در راه خدا. (وقایع الايام خیابانی، جلد صیام، ص ۲۹۵)

۸- ره آوردهای اطاعت و امامت اهل بیت (ع): قَالَتْ (سلام الله عليها): فجعل الله... اطاعتنا نظاما للملة و امامتنا امانا للفرقة. فرمود: خدا اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸)

۹- ره آورده‌های ایمان و نماز: قَالَتْ (سلام الله عليها): فجعل الله الايمان تطهيرا لكم من الشرك، و الصلاة تنزيها لكم عن الكبر. فرمود: خدای تعالی ایمان را برای پاکیزگی از شرک قرار داد، و نماز را برای دوری از تکبر و خودخواهی. (احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۵۸)

۱۰- امام مانند کعبه است: قَالَتْ (سلام الله عليها): مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي. از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) روایت شده که رسول خدا فرمودند: امام همچون کعبه است که باید به سویش روند، نه آنکه (منتظر باشند تا) او به سوی آنها بیاید. (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳)

۱۱- ره آوردهای جهاد و صبر: قَالَتْ (سلام الله عليها): جعل الله ... الجهاد عز للإسلام، والصبر معونة على استیجاب الأجر. فرمود: خداوند جهاد را موجب عزت و هیبت اسلام، و صبر را وسیله استحقاق و شایستگی پاداش حق تعالی قرار داد. (احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۵۸)

۱۲- ره آوردهای ایمان و عدل: قَالَتْ (سلام الله عليها): فَفَرَضَ اللهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيرًا مِنَ الشَّرْكِ... وَ الْعَدْلَ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ. فرمود: خداوند ایمان را برای پاکی از شرک... و عدل و داد را برای آرامش دل‌ها واجب نمود. (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸)

۱۳- داور فرشتگان: عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: أَتَيْتُ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهَا، فَقُلْتُ: أَيْنَ بَعْلُكَ؟ فَقَالَتْ (عليها السلام): عَرَجَ بِهِ جِبْرَائِيلُ إِلَى السَّمَاءِ، فَقُلْتُ: فِيمَا ذَا؟ فَقَالَتْ: إِنَّ نَفْرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشَاجَرُوا فِي شَيْءٍ، فَسَأَلُوا حَكَمًا مِنَ الْأَدَمِيِّينَ، فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِمْ أَنْ تَتَخَيَّرُوا، فَاخْتَارُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). عبد الله بن مسعود گوید: روزی بر فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد شدم و عرضه داشتیم: همسرت کجا است؟ فرمود: همراه جبرائیل به آسمان عروج نموده است، گفتم: برای چه موضوعی؟ فرمود: بین عده ای از ملائکه الهی مشاجره ای شده است؛ و تقاضا کرده اند یک نفر از آدم‌ها بین ایشان حکم و قضاوت نماید؛ و خداوند به ملائکه وحی فرستاد: خودتان یک نفر را انتخاب نمائید؛ و آن‌ها هم حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را برگزیدند.

اختصاص شیخ مفید: ص ۲۱۳، س ۷، بحار الأنوار: ج ۳۷، ص ۱۵۰، ح ۱۵.



فاطمه (سلام الله عليها) و گهرهای ماندگار

فاطمه الزهراء

مظهر

فضائل

۱۴- معرفی امام علی علیه السلام: قَالَتْ (عليها السلام): وَهُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ، وَالْهَيْكَلُ النَّوْرَانِيُّ، قُطْبُ الْأَقْطَابِ، وَسَلَالَةُ الْأَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ. فرمود: حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) در تعریف امام علی (علیه السلام) فرمود: او پیشوائی الهی و ربّانی است، تجسّم نور و روشنائی است، مرکز توجّه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حقّ گو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریت است. ریاحین الشریعة: ج ۱، ص ۹۳

۱۵- محمد و علی پدران امت: فرمود: قَالَتْ (عليها السلام): أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ، يُقِيمَانِ أَوْدَهُمْ، وَيُنْقِذَانِ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا، وَيُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَاقَفُوهُمَا. فرمود: حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله) و علی (علیه السلام)، والدین این امت هستند، چنانچه از آن دو پیروی کنند آن ها را از انحرافات دنیوی و عذاب همیشگی آخرت نجات می دهند؛ و از نعمت های متنوع و وافر بهشتی بهره مندشان می سازند. تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام): ص ۳۳۰، ج ۱۹۱، بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۵۹، ح ۸

۱۶- دعای حضرت در حق شیعیان: قَالَتْ (سلام الله عليها): إِلَهِي وَ سَيِّدِي، أَسْئَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَ بِبُكَاءِ وَ لَدَيَّ فِي مُفَارِقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعِصَاةِ شِيعَتِي، وَ شِيعَةَ ذُرِّيَّتِي. فرمود: خداوندا، به حق اولیاء و مقربانی که آن ها را برگزیده ای، و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی. کوكب الدرّی: ج ۱، ص ۲۵۴

۱۷- شیعه کیست؟: قَالَتْ (سلام الله عليها): شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كُلِّ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِي أَوْلِيَانِنَا وَ مُعَادِي أَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا. فرمود: شیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیاء ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند، نیز آن هائی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود. بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، س ۲۰، ضمن ح ۱۱

۱۸- اگر بیگناهان مبتلا نمی شدند نفرین می کردم: قَالَتْ (سلام الله عليها): وَاللَّهِ يَأْتِنُ الْخَطَابَ لَوْ لَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُصِيبَ الْبَلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتُ أَنِّي سَأَقْسِمُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَجِدُهُ سَرِيعَ الْأَجَابَةِ. فرمود: ای پسر خطاب! سوگند به خداوند، اگر ناپسند نمی داشتیم که عذاب الهی بر بی گناهی، نازل گردد؛ متوجّه می شدم که خدا را قسم می دادم و نفرین می کردم. و می دیدی چگونه دعایم سریع مستجاب می گردید. اصول کافی: ج ۱، ص ۴۶۰، بیت الأحزان: ص ۱۰۴، بحار الأنوار: ج ۲۸، ص ۲۵۰، ح ۳۰





# فاطمه الزهراء

## مظهر

## فضائل

۱۹- هرگز با تو سخن نخواهم گفت: قَالَتْ (سلام الله عليها): وَاللَّهِ! لَا كَلِمَتَكَ أَبَدًا، وَاللَّهِ! لَا دَعْوَنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ. فرمود: پس از ماجرای هجوم به خانه حضرت، خطاب به ابوبکر کرد و فرمود: به خدا سوگند، دیگر با تو سخن نخواهم گفت، سوگند به خدا، در هر نمازی تو را نفرین خواهم کرد. صحیح مسلم: ج ۲، ص ۷۲، صحیح بخاری: ج ۶، ص ۱۷۶

۲۰- بعد از یادآوری حدیث من اسخط فاطمة فقد اسخطني فرمود: قَالَتْ (سلام الله عليها): إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ، أَنَّكُمْ اسْخَطْتُمَانِي، وَ مَا رَضِيْتُمَانِي، وَ لَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لِأَسْكَوْنَكُمْ إِلَيْهِ. فرمود: هنگامی که ابوبکر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود: خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشمناک کرده و آزرده اید، و مرا راضی نکردید، و چنانچه رسول خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را خواهم کرد. بحار الأنوار: ج ۲۸، ص ۳۰۳، صحیح مسلم: ج ۲، ص ۷۲، بخاری: ج ۵، ص ۵

۲۱- عهدشکنان بر من نماز نگزارند: قَالَتْ (سلام الله عليها): لَا تُصَلِّي عَلَيَّ أُمَّهُ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ، وَ ظَلَمُوا لِي حَقِّي، وَ أَخَذُوا إِرْتِي، وَ خَرَفُوا صَحِيفَتِي الَّتِي كَتَبْتُهَا لِي أَبِي بِمَلِكِ فَدَك. فرمود: افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شکستند، و در حق من ظلم کرده و ارثیه ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگذارند. بیت الأحران: ص ۱۱۳، کشف الغمّة: ج ۲، ص ۴۹۴

۲۲- بعد از غدیر عذری نمانده است: قَالَتْ (سلام الله عليها): إِلَيْكُمْ عَنِّي، فَلَا عُدْرَ بَعْدَ غَدِيرِكُمْ، وَ الْأَمْرُ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ، هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ لِأَخْدَ عُدْرًا. فرمود: خطاب به مهاجرین و انصار کرد و فرمود: از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی تفاوتی و سهل انگاری هایتان، عذری برای شما باقی نمانده است. آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت؟ خصال: ج ۱، ص ۱۷۳، احتجاج: ج ۱، ص ۱۴۶

۲۳- ره آوردهای ایمان و نماز و زکات و صیام و حج: قَالَتْ (سلام الله عليها): جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ مِنَ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْتًا لِلْأَخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلذِّينِ. فرمود: خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی ها و شقاوتها قرار داد. و نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود. و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود. و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست. و حج را برای استحکام اساس شریعت و بناء دین اسلام واجب نمود. ریاحین الشریعة: ج ۱، ص ۳۱۲، فاطمة الزهراء (س) ص ۳۶۰ خطبه آنحضرت. احتجاج طبرسی، ج ۱



## فاطمه

### مظهر

### فضائل

۲۴- من اولین کسی هستم که به پدرم رسول الله (ص) ملحق می شوم: قالت (سلام الله عليها): يا ابا الحسن! إن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عهد إلى و حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ وَ لَا بُدَّ مِنْهُ، فَاصْبِرْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ ارْضَ بِقَضَائِهِ. فرمود: ای ابا الحسن! - همسر من - ، همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار نمود: من اول کسی هستم از اهل بیتش که به او ملحق می شوم و چاره ای از آن نیست، پس تو صبر نما و به قضا و مقدرات الهی خوشنود باش. بحار الأنوار: ج ۴۳، ص ۲۰۰، ح ۳۰

۲۵- ره آورد سه روز سلام بر آنحضرت و پدر بزرگوارش (ص): قالت (سلام الله عليها): مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ أَوْ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، قُلْتُ لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ؟ قالت: نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا. فرمود: هر که بر پدرم - رسول خدا - و بر من به مدت سه روز سلام کند خداوند بهشت را برای او واجب می گرداند. راوی گوید: عرضه داشتیم: آیا در زمان حیات و زنده بودن؟ فرمود: چه در زمان حیات ما باشد؛ و یا پس از مرگ. بحار الأنوار: ج ۴۳، ص ۱۸۵، ح ۱۷

۲۶- علی علیه السلام به وظیفه الهی عمل کرد: قالت (سلام الله عليها): ما صَنَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَتَّبَعِي لَهُ، وَ لَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسِبُهُمْ وَ طَالِبُ هُمْ. فرمود: آنچه را امام علی (علیه السلام) - نسبت به دفن رسول خدا و جریان بیعت - انجام داد، وظیفه الهی او بوده است، و آنچه را دیگران انجام دادند خداوند آن ها را محاسبه و مجازات می نماید. الإمامة والسياسة: ص ۳۰، بحار الأنوار: ج ۲۸، ص ۳۵۵، ح ۶۹

۲۷- یا علی مرا فراموش مکن: قالت (سلام الله عليها): أَوْصِيكَ يَا أبا الْحَسَنِ أَنْ لَا تَنْسَانِي، وَ تَزُورَنِي بَعْدَ مَمَاتِي. فرمود: ضمن وصیتی به همسرش اظهار داشت: مرا پس از مرگم فراموش نکن؛ و به زیارت و دیدار من - بر سر قبرم - بیا. زهره الریاض - کوكب الدرّی: ج ۱، ص ۲۵۳

۲۸- شیعه اهل بیت کیست؟: قالت (سلام الله عليها): إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَ تَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، قَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَ إِلَّا فَلَا. فرمود: اگر آنچه را که ما - اهل بیت عصمت و طهارت - دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمائی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر. تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام): ص ۳۲۰، ح ۱۹۱





# فاطمه

## مظهر

## فضائل

۲۹- برجستگی اندام زنان حتی در حین تشییع جنازه نباید دیده شود: قَالَتْ (سلام الله عليها): إِنِّي قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ، إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْثَةِ التُّوبَ فَيَصِفُّهَا لِمَنْ رَأَى، فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سَرِيرِ ظَاهِرٍ، أُسْتَرِّينِي، سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ. فرمود: در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن وصیتی به اسماء فرمود: من بسیار زشت و زنده می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه ای روی بدنش تشییع می کنند. و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می نمایند. مرا بر تخت - و بلانکاردی - که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده - بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن - ، خداوند تو را از آتش جهنم مستور و محفوظ نماید. تهذیب الأحکام: ج ۱، ص ۴۲۹، کشف الغمّه: ج ۲، ص ۶۷، بحار: ج ۴۳، ص ۱۸۹، ح ۱۹

۳۰- حجاب حتی در برابر مرد نابینا: قَالَتْ (سلام الله عليها): ... إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ، وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. فرمود: مرد نابینائی وارد منزل شد و حضرت زهراء (علیها السلام) پنهان گشت، وقتی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) علت آن را جویا شد؟ در پاسخ پدر اظهار داشت: اگر آن نابینا مرا نمی بیند، من او را می بینم، دیگر آن که مرد، حساس است و بوی زن را استشمام می کند. بحار الأنوار: ج ۴۳، ص ۹۱، ح ۱۶، إحقاق الحق: ج ۱۰، ص ۲۵۸

۳۱- ترک دنیا و مخالفت با غاصبان و...: قَالَتْ (سلام الله عليها): أَصْبَحْتُ وَ اللَّهُ! عَاتِقَهُ لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَهُ لِرِجَالِكُمْ. فرمود: بعد از جریان غصب فدک و احتجاج حضرت، بعضی از زنان مهاجر و انصار به منزل حضرت آمدند و احوال وی را جویا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: به خداوند سوگند، دنیا را آزاد کردم و هیچ علاقه ای به آن ندارم، همچنین دشمن و مخالف مردان شما خواهم بود. دلائل الإمامة: ص ۱۲۸، ح ۳۸، معانی الأخبار: ص ۳۵۵، ح ۲

۳۲- وصیت به علی در مورد ازدواج مجدد: قَالَتْ (سلام الله عليها): أَوْصِيكَ أَوْلَى أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِإِنْتِهِ أُخْتِي أُمَامَةَ، فَإِنَّهَا تَكُونُ لَوْلَدِي مِثْلِي، فَإِنَّ الرِّجَالَ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ. فرمود: در آخرین لحظات عمرش به همسر خود چنین سفارش نمود: پس از من با دختر خواهرم أمامه ازدواج نما، چون که او نسبت به فرزندانم مانند خودم دلسوز و متدین است. همانا مردان در هر حال، نیازمند به زن می باشند. بحار الأنوار: ج ۴۳، ص ۱۹۲، ح ۲۰، أعيان الشیعة: ج ۱، ص ۳۲۱

۳۳- خدمت به مادر و ره آورد آن: قَالَتْ (سلام الله عليها): الزَّمَّ عَجَلَهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا وَ الزَّمَّ رِجْلَهَا فَتَمَّ الْجَنَّةُ. فرمود: همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن نعمت‌های بهشتی خواهد بود. کنز العمال: ج ۱۶، ص ۴۶۲، ح ۴۵۴۳.



فاطمه الزهراء

مظهر

فضائل

۳۴- روزه چگونه باید باشد؟: قَالَتْ (سلام الله عليها): مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ. فرمود: روزه داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل ننماید هیچ سودی از روزه خود نمی برد. مستدرک الوسائل: ج ۷، ص ۳۳۶، ح ۲، بحار الأنوار: ج ۹۳، ص ۲۹۴، ح ۲۵

۳۵- خوشرویی و ره آورد آن: قَالَتْ (سلام الله عليها): الْبُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ، وَ بُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ. فرمود: تبسم و شادمانی در برابر مؤمن موجب دخول در بهشت خواهد گشت، و نتیجه تبسم در مقابل دشمنان و مخالفان سبب ایمنی از عذاب خواهد بود. تفسیر الإمام العسکری (ع) ص ۳۵۴، ح ۲۴۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۲۶۲، بحار: ج ۷۲، ص ۴۰۱، ح ۴۳

۳۶- دست شستن بعد از غذا: قَالَتْ (سلام الله عليها): لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيْتُ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ عَمْرٍ. فرمود: کسی که بعد از خوردن غذا، دستهای خود را نشوید دستهایش آلوده باشد، - چنانچه ناراحتی برایش بوجود آید - کسی جز خودش را سرزنش نکند. کنز العمال: ج ۱۵، ص ۲۴۲، ح ۴۰۷۵۹.

۳۷- بهترین موقع دعا در روز جمعه: قَالَتْ (سلام الله عليها): اصْعَدْ عَلَيَّ السَّطْحَ، فَإِنَّ رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو. فرمود: روز جمعه نزدیک غروب آفتاب به غلام خود می فرمود: بالای پشت بام برو، هر موقع نصف خورشید غروب کرد مرا خبر کن تا برای خود - و دیگران - دعا کنم. دلائل الإمامة: ص ۷۱، س ۱۶، معانی الأخبار: ص ۳۹۹، ضمن ح ۹

۳۸- خداوند گناهان را می بخشد (جز شرک و حق مردم): قَالَتْ (سلام الله عليها): إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً وَ لَا يُبَالِي. فرمود: همانا خداوند متعال تمامی گناهان بندگان را می آمرزد و از کسی باکی نخواهد داشت. تفسیر التبیان: ج ۹، ص ۳۷، س ۱۶

۳۹- حق مرد بر مرکب و منزل: قَالَتْ (سلام الله عليها): الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرٍ دَائِتِهِ، وَ صَدْرٍ فِرَاشِهِ، وَ الصَّلَاةِ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا الْأَمَامَ يَجْتَمِعُ النَّاسُ عَلَيْهِ. فرمود: هر شخصی نسبت به مرکب سواری، و فرش منزل خود و برگزاری نماز در آن از دیگری در اولویت است، مگر آن که دیگری امام جماعت باشد و مردم بخواهند با او نماز جماعت را اقامه نمایند. مجمع الزوائد: ج ۸، ص ۱۰۸، مسند فاطمه: ص ۳۳ و ۵۲.





فاطمه (سلام الله عليها) و گهرهای ماندگار

## منابع:

- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۳  
 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۷  
 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۰  
 فاطمه من المهد الى اللحد، ص ۲۵۴  
 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۳  
 كشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳  
 كشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳  
 كشف الغمه، ج ۱، ص ۱۹۹  
 كشف الغمه، ج ۱، ص ۴۹  
 همان مدرک، ص ۴۹  
 همان مدرک، ص ۴۸  
 بحار الانوار، ج ۲، ص ۳  
 فاطمه بهجه قلب المصطفى، ص ۲۹۸،  
 به نقل از دلائل الامامه، ص ۱  
 بحار الانوار، ج ۲، ص ۸  
 منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۱۴  
 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۶ -  
 رياحين الشريعة، ج ۱، ص ۱۳۵  
 احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۷۷  
 انعام، آیه ۱۲۴  
 آل عمران، آیل ۳۳  
 احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۷۶  
 مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۳  
 دهر، آیه ۷  
 رياحين الشريعة، ج ۲، ص ۳۱۴  
 تحف العقول، ص ۴۲۱،  
 ترجمه احمد حنّی. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۷۷  
 كشف الغمه، ج ۲، ص ۹۴  
 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۲ و ۹۰  
 فاطمه بهجه قلب المصطفى، به نقل از دلائل الامامه، ص ۱  
 حشر، آیه ۹  
 احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۱ -  
 فاطمه بهجه قلب المصطفى، ص ۴۸۴  
 فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۱۶۴

فاطمه الزهراء

مظهر

فضائل



## فاطمه (سلام الله عليها) والقباب

آن حضرت را پنج فرزند بود: حسن، حسین، زینب، امّ کلثوم و محسن(ع). محسن آخرین فرزند آن بانو و اولین شهید اهل بیت(ع) از پیامبر بود که در ماه آخر حمل، سقط شد.

۵. بتول؛ بتول یعنی جدا و ممتاز از دیگران

ابن اثیر در «النهایه» می‌نویسد: فاطمه را بتول نامیدند؛ زیرا از زنان زمان خویش [و زمان‌های قبل و بعد خود] از نظر فضیلت و دین و حسب، جدا و ممتاز بود یا آنکه از دنیا منقطع گشته و به خدای تعالی روی آورده بود.

۶. حانیه؛ یعنی آن که با شوهر و فرزندان بسیار مهربان است.

۷. الحر؛ یعنی بانوی آزاد.

۸. حصان؛ یعنی پارسا و عقیف.

۹. حورا، حورای انسیه؛ یعنی انسانی زمینی که از حوریان بهشتی است. [حوریه‌ای شبیه آدمی] در یکی از معراج‌های پیامبر اکرم(ص) به آسمان، آن حضرت از میوه‌ها، خرماهای تازه و سیب بهشتی تناول کرد و خداوند متعال آن غذاهای بهشتی را در صلب ایشان قرار داد و هنگامی که از معراج به زمین بازگشتند، حضرت فاطمه(س) در رحم حضرت خدیجه(س) قرار گرفت. بدین سبب حضرت فاطمه(س) حورای انسیه نام گرفت.

۱۰. راضیه؛ یعنی کسی که به تقدیر و قوانین الهی خشنود بود.

این صفت از والاترین درجات ایمان است و آن حضرت در تمام مراحل زندگی، به آنچه که از سوی خداوند متعال از ترس و آزار در راه دین و ظلم و اندوه و غم، برایش مقدر شده بود، رضایت داشت و هیچ‌گاه از وضع خود گله نکرد.

۱۱. زکیه؛ به معنی پاک و پاکدامن یا وجود پر برکت است.

قرآن هر یک از این معانی را در سه آیه مختلف بیان فرموده است. در جایی از پاکدامنی و مقام عصمت حضرت عیسی(ع) چنین یاد می‌کند:

«قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا؛ یعنی جبرئیل به مریم گفت: من فرستاده پروردگار توام تا از جانب او پسری پاکیزه به تو بخشم.»

در آیه دیگر آمده است: «فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ؛ چون خضر آن پسر را کشت، موسی گفت: آیا جوانی پاکیزه و بی‌گناه را بی‌آنکه کسی را کشته باشد، کشتی؟» در جایی دیگر می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ رستگار شد هر که روان خود را پاک ساخت.» در حقیقت زکیه به بانویی گویند که از همه ناپاکی‌های اخلاقی دور باشد و هرگز در وجودش هیچ صفت بد یافت نشود.

۱۲. سماویه؛ یعنی گرانبها، گوهری آسمانی.



## والقباب

## نیکو





## فاطمه (سلام الله عليها) والقباب



## والقباب

## نیکو

۱۳- زهرا؛ یعنی درخشان، نورانی و درخشنده.

از امام صادق (ع) پرسیدند: چرا فاطمه را زهرا نامیدند؟ فرمود: «زیرا فاطمه چنان بود که چون در محراب می ایستاد، نوری از او برای اهل آسمان درخشش می کرد، همان طور که ستارگان برای اهل زمین درخشش دارند.»

۱۴. سیده، سیده نساء العالمین؛ یعنی بزرگ بانوی جهانیان.

شیخ صدوق در کتاب «امالی» حدیثی را از حضرت رسول خدا (ص) چنین نقل کرده که فرمود: «دخترم فاطمه، بزرگ بانوی زنان جهان است.»

رسول خدا (ص) به دخترش فرمود: «ای فاطمه، به درستی که خداوند تو را بر همه زنان جهان و زنان اسلام که بهترین دین است، برتری داد.»

رسول خدا (ص) از نزدیک بودن وفات خود از طریق وحی با اطلاع شد، دخترش فاطمه را از این موضوع آگاه ساخت و آن بانو گریست. در این حال رسول خدا (ص) به وی فرمود: «تو اولین کسی از خانواده ام هستی که به من خواهی پیوست. آیا دوست نداری که ارجمندترین زنان بهشت باشی!»

۱۵. صدیقه، صدیقه کبرا؛ صدیقه یعنی کسی که در راستگویی کامل است یا آنکه هرگز دروغ نگفته است یا کسی که سخن خود را با عمل خویش تصدیق می کند.

مرتبۀ صدیقین، در ردیف پیامبران و شهیدان است. این مطلب را آیات بسیاری روشن می کنند که از آن جمله اند: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» اهل تسنن از عایشه روایتی را چنین نقل کرده اند: ما رأیت احداً اصدق من فاطمه (س) غیر ابیها؛ پس از رسول خدا (ص)، هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم.»

۱۹. مبارکه؛ از نام های دیگر حضرت زهرا (س) و به معنی وجود پر برکت است.

راغب در «مفردات» گوید: به جایی که خیر الهی به صورتی که در خور نگه داری و شمارش و اندازه گیری نباشد و هر کسی به آن بنگرد، فزونی محسوسی در آن ببیند، گویند در آن برکت است و آن چیز مبارک است.

۲۰. محدثه؛ یعنی آنکه فرشتگان با او سخن گویند.

۲۱. مرضیه؛ یعنی آنکه خداوند پیوسته از او و کردارش راضی است.

۲۲. مریم کبرا؛ یعنی مریم بزرگ.

مقام وی در نزد مسلمانان، والاتر از مقامی است که حضرت مریم (س) در نزد مسیحیان دارد. در این باره ده ها روایت وجود دارد، از جمله آنکه رسول خدا (ص) فرمود: «مریم ارجمندترین بانوی زمان خویش بود و فاطمه ارجمندترین بانوی همه زمان هاست.»

